



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً از همه عزیزانی که زحمت کشیدند و تشریف آوردند؛ بخصوص عزیزانی که لطف کردند و این جلسه و این فضا را به عطر مدیحه حضرت فاطمه زهرا و صدیقه کبری معطر نمودند و همچنین از برادرانی که این شعرهای زیبا و خوب را سرودند و خوانندگان در این جا آنها را انشاد کردند؛ بخصوص برادرانی که از راههای دور و شهرهای دیگر قبول زحمت کردند و آمدند، صمیمانه تشکر می کنم.

زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به خاطر عظمت و شگفتیهای فراوانی که در آن هست، شبیه اسطوره های تاریخ است. حقیقتاً چشم ما نمی تواند مقامات معنوی آن بزرگوار را ببیند - «تو بزرگی و در آیینه کوچک نمایی» - ما نمی توانیم آن قامت رسا و آن عظمت را حتی در چشم کوتاه بین ذهن خودمان تصویر کنیم؛ لیکن همان چیزی که چشمان سطحی نگر ما می بیند، خیلی با عظمت است. یعنی آن زندگی کوتاه چه در دوران کودکی، چه در دوران جوانی و چه در دوران تأهل و ازدواج و خانه داری این قدر پرمغز است! مگر هر کسی می تواند همسر امیرالمؤمنین باشد؟ عظمت علی آن گونه است که کوههای عظیم را در مقابل خود آب می کند. نقس همسری امیرالمؤمنین، يك نشانه بزرگ عظمت است؛ لیکن شما ببینید تعامل این زن و شوهر چگونه است و دو بزرگ خارج از ابعاد ذهن انسان، چگونه با هم حرف می زنند؛ چگونه زندگی می کنند؛ چگونه این زندگی الگو و نمونه تاریخ را اداره می کنند و چگونه هر کدام نقشی به عهده می گیرند! اینها تصادفی نیست. نقش آن شوهر در دوران مبارزات و جنگها این است که نفر اول و خطشکن درجه يك و گره گشای اول و آخر باشد. در دوران بعد از رحلت پیغمبر، این نقش تغییر پیدا می کند. همان شجاعت، همان قدرت و همان عظمت وجود دارد؛ منتها در نقش دیگری ظهور می کند. مگر هرکسی می تواند آن حادثه عظیم بعد از پیغمبر را تحمل کند؟ اما علی تحمل کرد و این همان شجاعت خبیر و همان قدرت احد است که در این جا طاقت می آورد. بعد، دوران خلافت است که هر کلمه کلمه و هر قدم به قدم آن، اثری در تاریخ اسلام و تاریخ بشر گذاشته است. آن گاه نقش همخوان با این شخص، نقش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. اگر آن مظلومیت عظیم و جانسوز در تاریخ خود را نشان نمی داد، حقایق اسلام آن چنان که بعداً آشکار شد، آشکار نمی شد. اینها تصادفی نیست. همه اینها طراحی شده با تدبیر الهی است؛ منتها کسانی برای این میدانها و این نقشهای دشوار انتخاب می شوند که جوهر آنها، جوهر برگزیده خداست. در بین همه انسانهای طول تاریخ، خدای متعال انتخاب می کند: «امتحنك الله الذی خلقك قبل ان یخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة». میدان، میدان امتحان است. میدان کار تصادفی نیست. میدان امتیاز دادن بیخودی نیست. خدای متعال بیخودی به کسی امتیاز نمی دهد. این جوهر، این اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کار را به آن جا می رساند که او سنگ الماسی می شود که همه این چرخها بر روی آن می چرخد. دشوارترین چرخها را باید بر روی سخت ترین پایه ها و قاعده ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحانهای دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرشته نجات انسانها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه (علیهم السلام) این قدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع می کنند. هیچ مقامی از این بالاتر وجود دارد؟

مدّاحی و ستایشگری خاندان پیغمبر - که طبعاً ذکر مصائب را هم به همراه دارد - شغل خیلی مهم و بزرگی است. البته ما بارها در طول سالهای گذشته در چنین جلساتی مطالبی را در این زمینه عرض نموده و با زبانهای گوناگون به هنر مدّاحی اظهار اخلاص و ارادت کرده ایم. در کار مدّاحی شما چند چشمه هنری وجود دارد: شعرتان هنر است؛



صدایتان هنر است؛ آهنگی که انتخاب می کنید، هنر است؛ اشارات و کارهایی که انجام می دهید، هنر است. عنصر دوم، عنصر تعقل است؛ چون منطق، استدلال، حرف حساب، حرف درست و حرف خوب در لابلای این شعرها فراوان وجود دارد و می تواند ذهنها را قانع کند. البته منطق، شکل‌های مختلفی دارد. گاهی برهانی است، گاهی خطابی است، گاهی شعری است؛ مقصود این است که بتواند این پیام را به اعماق ذهن مخاطب برساند و او را قانع کند. خصوصیت سوم این است که شما حامل پیام دینی محسوب می شوید؛ یعنی سمت معنوی و روحانی دارید. در دنیا خوانندگان خوب زیاد هستند و ممکن است شعرهای خوبی هم بخوانند؛ اما آنها از موضع مدّاح حرف نمی زنند؛ ولی شما از موضع مدّاح اهل بیت و از موضع معنوی و روحانی حرف می زنید. البته خصوصیات دیگری هم وجود دارد، اما این سه خصوصیت در کنار هم مهمتر است.

من می خواهم عرض کنم که از این سه خصوصیت می شود خیلی خوب استفاده کرد؛ می شود استفاده نکرد؛ می شود بد استفاده کرد. البته خوب استفاده کردن هم طیفی از انواع استفاده را در ذیل خودش دارد. عزیزان من! سعی کنید از این سه خصوصیت ممتازی که الحمدلله خدای متعال به شما عنایت کرده، به بهترین وجهی استفاده کنید. شعر شما باید خوب، محکم، قوی، خوش مضمون و قانع کننده باشد. گاهی قصیده ای که شما می خوانید، به اندازه چند منبر یک منبری خوش بیان تأثیر می گذارد. گاهی یک بیت شعر بجا به قدر یک کتاب قیمت دارد. اینها آسان و مجانی به دست نمی آید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند، شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند. البته امروز خوشبختانه معمول شده که شعر را از رو بخوانند. به نظر ما اشکالی هم ندارد؛ اما قدیمیها عیب می دانستند که از رو بخوانند. البته اگر مدّاحان شعر را حفظ کنند، یک هنر اضافه هم خواهند داشت؛ اما اگر حفظ نکنند، اشکالی ندارد. مهم این است که شعر، خوب، متین، قوی و خوش مضمون باشد. معیار شعر خوب و خوش مضمون چیست؟ مضمون خوب کدام است؟ غلط کدام است؟ درست کدام است؟ اینها بحثهای مفصلی است که در جای خود باید روشن شود؛ اما به هر حال خوب استفاده کردن، شوق صحیح است، والا استفاده نکردن یا خدای نکرده بد استفاده کردن، شقوق نادرست آن است.

پروردگارا! تو را به حرمت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می دهیم، ما را جزو شیعیان و ارادتمندان و علاقه مندان آن بزرگوار زنده بدار و بمیران و محشور کن. پروردگارا! آنچه در این مجلس گفته شد، خوانده شد و عمل شد، منظور نظر و قبول آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! ما را مشمول هدایت و شفاعت آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! در همه مراحل زندگی، ما را به هدایت خودت هدایت کن. پروردگارا! ما را به خودمان وا مگذار؛ دشمنان این ملت را مغلوب و منکوب و مایوس فرما؛ این ملت را در همه مراحل افتخارآمیز و پُرازش حیات سیاسی و انقلابی و دینی خودش و در همه آزمایشها بر دشمنانش پیروز و بر اهدافش فائق کن؛ او را مشمول لطف و فضل و رحمت خودت قرار بده. پروردگارا! قلب مقدّس ولیّ عصر (ارواحنا فداه) را نسبت به ما مهربان فرما. دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان؛ روح مطهّر امام عزیز و ارواح طیّبه شهدای ما را از این مجلس سرافراز و خشنود فرما. والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته